در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۰
خارج اصول فقه- دور دوم (1400-1401)

جلسه 43

صفحات 49 و 50 : کلیک کنید

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و سوم خارج اصول فقه (دور دوم) 19 دی ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحیم
سوال کردند که مراد شیخ انصاری از انکار استقلال حکم وضعی، در مقام ثبوت است یا اثبات؟ یعنی در عالم واقع، احکام وضعی استقلال ندارند یا در عالم دلالت دلیل استقلال ندارند؟ اگر مراد شیخ صورت دوم باشد اشکال نقضی شما به کلام ایشان وارد نیست.
پاسخ اینکه نظر ایشان به مقام ثبوت است و مقام اثبات در این باره تصور درستی ندارد.
سوال شده که اگر در مراحل حکم، انشاء را به معنای اراده بگیریم، پس چرا حکم را به معنای اعتبار و جعل می گیریم نه اراده مبرزه؟
پاسخ اینکه اولا ما در مراحل حکم الهی انشاء را قبول نکردیم و در مراحل حکم حکومی، مرحله انشاء را پذیرفتیم. سوال این باید باشد که اگر در مراحل حکم، مرحله اراده هست، پس حکم را باید به معنای اراده مبرزه گرفت. پاسخ اینکه در مراحل حکم اراده مولا هم هست اما اراده مولی به معنای حکم نیست و فقط یکی از مراحل حکم است. این چند مرحله باید جمع شود تا حکم تشکیل شود.
سوال شده که کتاب های سه گانه شما که فقه و عقل و فقه و مصلحت و فقه و عرف است و دو گانه قردادها را می توان از ابتدای درس خارج خواند یا باید چند سالی از درس خارج بگذرد؟ پاسخ اینکه می توان از ابتدا خواند اما باید دانست که متن آن سخت است در عین اینکه متن آن فارسی است ولی کتابی تخصصی است و باید به صورت مباحثه ای آن را مطالعه کرد.
سوال کردند که کتاب ها را به چه ترتیبی بخوانیم؟ پاسخ اینکه ترتیب شرط نیست ولی اولویت هست به همان ترتیبی که تالیف شده است. فقه و عقل، فقه و عرف و بعد فقه و مصلحت. در دوگانه قراردادها هم ابتدا ادله عام قرآنی و بعد ادله عام روایی.
□□□

نتیجه اینکه ما هم مانند محقق خراسانی اطلاق حکم به ظاهری در امارات و طرق را نپذیرفتیم اما اطلاق حکم ظاهری در اصول عملیه را می پذیریم.

نکته: گاهی این شبهه به وجود می آید که حکم ظاهری در مورد چهارم متوقف بر این است که حکم واقعی بین عالم و جاهل مشترک باشد بعد به جاهل گفته شود که حال که به حکم واقعی مجعول در حق خود نرسیده ای برای رفع سرگردانی و تحیر این اصل عملی را اجرا کن؛ در حالیکه سوال می شود جعل حکم در حق جاهل چه اثری دارد؟ طبعا اثرش این نیست که اگر عالم شد آن را امتثال کند چون این اثر برای عالم است سوال این است که جعل حکم برای جاهل چه ثمری دارد؟ جاهلی که تا آخر جاهل می ماند و باید به حکم ظاهری عمل کند. ممکن است کسی بگوید اگر کوتاهی کند و به دنبال یادگیری نرود عقوبت او صحیح است. ما می گوییم صحت این عقوبت برای ترک واقع است یا برای ترک یادگیری؟ ترک واقع که هر چند از روی تقصیر بوده اما دست خود مکلف نبوده است لذا صحت عقوبت فقط برای ترک تعلم می تواند باشد. اول به او می گویند چرا عمل نکردی؟ می گوید که نمی دانستم؛ بعد به او گفته می شود چرا نرفتی یاد بگیری؟ اینجاست که عقوبت صحیح است.

□□□